

آیین رونمایی از پنج کتاب صوتی

هفته دفاع مقدس همیشه با خبرهای جدیدی در این حوزه همراه است. از رونمایی کتاب‌های مختلف این حوزه تا پخش برنامه‌هایی که هرکدام به‌گونه‌ای روزهای خاطره‌انگیز دفاع مقدس را یادآوری می‌کنند. بر همین اساس، پایگاه ایرانصدا اقدام به رونمایی چند کتاب صوتی برای شنوندگان این پایگاه و مخاطبان خود کرده که در تناسب با هفته دفاع مقدس است. طبق این خبر پنج کتاب صوتی



پیشانی سفید

باید بچه را رها کنند و در آنجا می‌بینند عادت‌های فرزندشان تغییر کرده و زندگی اجتماعی پیدا می‌کند. وقتی شرایط از حالت بومی خارج می‌شود و شما وارد یک فرهنگ بومی جدید می‌شوید، خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهید و این بخشی از عادت ثانویه انسان می‌شود که خودش را با شرایط تطبیق بدهد و وقتی مدعی است که من درست‌ترین تصمیم را می‌گیرم، این درست‌ترین تصمیم‌گیری باید در زندگی‌ش هم دیده شود.

۱۴ شمای تجربه کار تاریخی مثل «مختارنامه»، «تاصیح» و... را دارید. به نظر تان چقدر فضا سازی در «طوبی» برای تان باورپذیر بوده که بتوانند وارد آن حال و هوا شوید؟ چه در گریم، چه در لباس و چه در صحنه. اصلا چقدر قرار گرفتن در فضای تاریخی دهه ۵۰ برایتان جذاب بود؟

این تاریخ معاصر به حساب می‌آید و چیزی است که آن را تجربه کرده‌ایم. من صدام، حمله به تهران، جنگ، گزارش‌های مستند جنگ و آدم‌های مهم تاریخ سیاسی کشورمان را دیده‌ام و خیلی برایم دور نیست. وقتی می‌گویند یک خانواده سیاسی، شاید از سال ۵۷ تا سال ۶۰ کمتر خانواده‌ای در ایران بود که ۸۰ درصد به بالا درگیر سیاست نبود؛ چون پا را از در خانه بیرون می‌گذاشتند روی دیوار شماری می‌خواندند که فلانی باید رئیس‌جمهور شود، رأی ما آقای فلانی است، مرگ بر فلان و درود بر فلان و این بخش نزدیکی از زندگی مردم شده بود. خطبه‌هایی که در این سرای می‌بینید یا خیابان انقلاب برای من ناگهی نداشت، چون تجربه زیسته‌اش را داشتم و بارها قیافه صدام را در تلویزیون دیدم و دوستانم در جنگ شهید شدند و یک سال ونیم به پایان جنگ مانده بود تصمیم گرفتم شناسنامه‌ام را دستکاری کنم و به جبهه بروم و به میدان تیررشم و این قدر قدم کوتاه بود که وقتی به من اسلحه دادند، دیدم پام را به جبهه بگذارم، فردایش عکسم روی جلله‌ای می‌خورد و کوچ‌ای را به نامم می‌کنند؛ گفتم جنگ است و سال دیگری می‌روم. وقتی خودم همه اینها را دیدم و لباس عراقي هادر دهنم هست و کسانی که از جنگ برمی‌گشتند، غنیمت کلاه سربازان عراقی یا عقاب روی کلاه سربازان عراقی یا درجه‌ها و پلاک‌هایشان را می‌آوردند، اینها تصویری نیست که برایم غریبه باشد. البته که در درآوراست و هم این‌که بخشی از عمرم را قبل از سال ۵۹ گذراندم و فضا برایم آشناست و برای من کار خیلی سخت نبود؛ به همین دلیل می‌گویم در عین حال که فخرالدین یک روشنفکر است، ولی قدرت طلبی‌های یک مرد سنتی را نیز دارد و اگر در جایی تصور کند منطقی عمل نمی‌کند از قدرت مردانه سنتی‌اش استفاده می‌کند و صدایش را بالا می‌برد یا تهدید می‌کند که این چندین بار در سریال اتفاق می‌افتد و من هم آن را کنترل نکردم و سعی کردم تمام زوایای زیستی فخرالدین به چشم بیاید. کسی که پدرش طوری او را تربیت کرده که تابستان ها کاگرزی کند، قاعدتا خیلی فرد ظریف و شکننده‌ای نیست و بلد بوده دعو اکند و بسیار هم غیرتی

جلال آباد، دمشق شهر عشق، مادر آلاله‌ها، عروس‌های جنگ و شه‌دو شرنگ رونمایی شد. در این مراسم که با حضور مجتهدزاده، رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس و مهدی شاملو، مدیر ایرانصدا برگزار شد، بر ترویج ایثار و مقاومت به عنوان یک مولفه مهم تأکید شد. مجتهدزاده هم در این مراسم، با بیان این‌که خاطرات زنان در دفاع مقدس هویت ملی را تقویت می‌کند، گفت: این

خاطرات به عنوان سرمایه باید در اختیار همگان به خصوص جوانان قرار گیرد.

وی افزود: بیان این خاطرات علاوه بر نشر فرهنگ مجاهدت و ایثار از ته‌اجمات آینده‌جو لوبگیری می‌کند. مدیر پایگاه ایرانصدا نیز گفت: در این چند سال اخیر بیش از ۷۰۰ اثر دفاع مقدس تولید شده است. بیان خاطرات و سبک زندگی شهدا با زبان هنر در پایگاه کتاب‌گویای ایرانصدا انجام می‌شود.



پیشونی سفید» دستم باز بود و هنوز کست کامل نشده بود و به جای نقش موش، عمو عجزوه را با افتخار در کنار آقای امین حیایی بازی کردم. خودم نقش عمو عجزوه را انتخاب کردم و وقتی به آقای هاشمی گفتم سکوت کرد و گفت جرأتش را داری؟ گفتم شما جرأتش را داری؟ گفت من دارم؛ گفتم پس بسم... بنابراین شاید پیشنهاد‌های نقش منفی‌ای نداشت‌م که و سوسه‌انگیز باشد و مراققلقلک بدهد که بخوام ورود کنم.

۱۴ صحبت از کارهای کودک و نوجوان به میان آمد که شما هم تجربه داشته‌اید. خیلی از بازیگران

نسبت به چنین کارهایی گارد می‌گیرند و فکر می‌کنند کار کودک بازی کردن یک کار بسیار سطحی است ولی شما شهر گریه‌ها را هم بازی کرده‌اید که الان روی پرده است و تجربیاتی از این دست دارید.

من فکرمی‌کنم کسانی‌که این‌طوری فکرمی‌کنند خیلی بازیگر نیستند. بازیگر با نقش متفاوت خود را محک می‌زند. تاپیش از این‌که بحث پلنفرم به میان بیاید، بسیاری از ستارگان سینمای ما به

تلویزیون بازی کردن در تلویزیون به عنوان جایی که بازیگر را چیب می‌کند، نگاه می‌کردند که دو دلیل داشت: یکی عدم شناخت و آگاهی درست از تأثیر تلویزیون و دوم عدم اعتماد به نفس خودشان است؛ کما این‌که وقتی پلنفرم بالا آمد، تقریباً همگی برای حضور در یک سریال سرودست می‌شکستند؛ یعنی در این حد که ضوابط، روابط و قواعد انسانی را نیز برای گرفتن یک نقش زیر پای می‌گذاردند و ورود می‌کنند. با این‌که شاهدیم بسیاری از سریال‌ها در پلنفرم، کست‌های ثابت و فروش دارند اما همچنان با قدرت تمام همان کست‌ها در پلنفرم‌ها فعالیت می‌کنند و این باعث می‌شود فرصت مناسب به تکراری بی دلیل تبدیل شود. همین افراد تلویزیون را تقدیم کردند اما وقتی با عرصه بالای ده میلیون نفر مخاطب مواجه



است. اگر کسی یا از دایره حرمت ناموس فراتر بگذارد یا او بحث روشنفکری نمی‌کند که فلان یا بهمان شاعر می‌فرماید و برایش سرکتاب باز نمی‌کند و با کله توی صورتش می‌رود او را می‌زند و بلد است اسلحه بکشد و فرار، حمله، فداکاری و حتی التماس کند و در موقعیت‌های مختلف واکنش‌هایش متفاوت است. من سعی کردم هیچ‌کدام را فدای دیگری نکنم؛ چون گاهی اوقات و سوسه‌ای به وجود می‌آید مخصوصاً در رابطه با نقش‌هایی که هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ جایگاه اجتماعی قدری قدرتمند است، در صحنه‌هایی که قرار است به ذلالتی برسند یا تضعیف شوند.

سعی می‌کنم قدرتمند بازی کنم و این واقعیت نقش را می‌گیرد. قوی‌ترین آدم‌ها هم از مرگ ترس دارند و از مرگ عزیزشان می‌ترسند و نسبت به این‌که فرزندشان مورد حمله، آسیب یا آزار قرار بگیرد وحشت می‌کنند. فخرالدین که دیکتاتور نیست و حتی شیت هم در جایی در جالشی قرار می‌گیرد که باید از این قدرتش به شکل دیگری به کاراکترش نگاه کند و آقای فلاحی پور هم به زیبایی این صحنه را بازی کرد. چیزی که سعی کردم در نقش رعایت کنم این بود که ابعاد مختلف و معادل شخصیت را رعایت کنم؛ یعنی اگر

سیاسی است چقدر سیاسی است، اگر اهل خانواده است تا کجا اهل خانواده است و اگر اهل معامله است تا کجا برای

چه‌کسانی و چقدر اهل معامله است و هیچ‌کدام را فدای دیگری نکردم که بگویم فخرالدین قدرتمند است و در جایی که زن و بچه‌اش را می‌برند، بغض نمی‌کند و حالش خراب نمی‌شود و به این شکل کاراکتر تک بعدی نمی‌شود.

۱۴ امین زندگانی را به معمولاً در نقش‌های مثبت

می‌بینیم. بنابراین تصویری به وجود می‌آید مبنی بر این‌که به شما نقش‌های منفی پیشنهاد نمی‌شود. آیا این‌گونه

است یا این‌که شما نمی‌پذیرید؟

شاید مخاطب نپذیرد. من «فصل فراموشی فریبا»، را با آقای عباس رافعی و فیلم «کابوس» را با آقای سیروس مقدم بازی کردم که هر دو منفی صد درصد بودند. نسبت به بازی کردن نقش منفی نگاه‌ای دارم که شاید دلیل این‌که کمتر کارهای منفی را که در این سال‌ها پیشنهاد شده، قبول کردم این بود معمولاً نقش منفی که نوشته می‌شود یا توقع دارید بازی کنید، اصلاً آدم محقی نیست و به نظر من کسانی که قربانی شدند ساده‌ لوح هستند. نباید شخصیت منفی را منفی بازی کنیم و اگر قرار بر این بود که کلاه سر این همه آدم نمی‌رفت، پول شان خورده نمی‌شد، اعتماد نمی‌کردند و در زنده و کشته نمی‌شدند. وقتی نگاه کارگردان و نویسنده را می‌بینید که یک شخصیت منفی نوشته کلا کلیشه به معنای بد را بازی نکنم، بهتر است. من ترجیح می‌دهم نقش‌هایی مثل کابوس آقای مقدم را بازی کنم. خاطرم هست به آقای مقدم گفتم نقش شما منفی است و من آن را مثبت بازی می‌کنم و توضیح دادم که اگر مثبت بازی نکنم قطور آدم‌ها را گول می‌زند؟ گفت من همین را می‌خواهم و دیگر حرفی نزدیم و آن نقش را بازی کردم و جزو نقش‌هایی بود که خیلی دوستش داشتم. بیش از این‌که بازیگر کلیشه‌ای انتخاب کند، کلیشه به او پیشنهاد می‌شود و این کمی دست و پای بازیگر را می‌بندد. در «آهوی

به خوبی کار خود را انجام دادند. من وقتی مقابل دوربین آقای سلطانی کار می‌کنم، خیالم راحت است و می‌دانم ایشان مسلط‌تر از همه بازیگران روی نقش‌ها اشراف دارند که به همین دلیل وقتی راهنمایی می‌کند، باید چشم بسته پذیرفت.

۱۴ از آنجایی که این مجموعه برداشتی از کتاب «اربعین طوبی» است، برای نزد یک‌تر شدن به نقش، رمان را مطالعه کردید؟

فکر کنم ماه چهارم فیلم برداری بود که متوجه شدم «طوبی» برداشت آزادی از این کتاب است. امام‌المع‌ای در این زمینه نداشت‌م. چون برداشت آزاد بود، نیازی نبود کتاب را بخوانم. ممکن است خواندن کتاب کمک کننده باشد، اما خیلی دیر این اتفاق افتاد و زمانی بود که فخرالدین در ذهن طراحی و پیاده شده و شکل هم گرفته بود و شاید خواندنش آسیب می‌زد یا استرس می‌داد و یا اعتماد به نفسم را کم می‌کرد؛ ولی خیلی دوست دارم کتاب را بخوانم. این سریال کار سنگینی است و من هم اهل کارهای سنگینم و شناسنامه هم در انزوی فردی تأثیر نیست. بعد از کار که فراغ بالی پیدا کنم، حتما کتاب را می‌خوانم.

۱۴ نکته‌ای که درباره فخرالدین به نظر می‌رسد این است که آدم روشنفکری است. مثلاً تصمیماتی که می‌گیرد و اجازه می‌دهد همسرش به تنهایی به ایران برود یا به دانشگاه برود. این در شرایطی که فخرالدین بزرگ شده عجیب نیست؟ آن‌هم در حدود ۵۰ سال قبل در عراق که شیوه تفکر مردان با امروز کاملاً متفاوت بود؟

بله، آقای فلاحی پور که نقش شیث را بازی می‌کند خیلی جاها اشاره دارد که فخرالدین یک عرب اصیل نیست و فخرالدین زمانی عراقی به حساب می‌آید که سه نسلش عراقی باشد. ببینید شما زمانی که مهاجرت می‌کنید، شرایط این را به شما تنفیذ می‌کند که از هوش و استعداداتان بیشتر استفاده کرده و آگاهانه‌تر رفتار کنید، چون در جای غربی هستید، این تجربه را موقعی که برای فیلم برداری چهار ماه به سوریه یا دو ماه به لبنان رفتم، داشتم و با تیمی غیرهم‌زبان و غیرایرانی کار می‌کردم و برای این‌که بتوانم در آن تیم اول به یک همکار مثبت، بعد به یک همکار دوست و بعد رفیق و یک خانواده تبدیل شوم، بیشتر استراتژی به خرج می‌دادم و این باعث می‌شود آداب و رسوم را یاد بگیریم و موجب فاصله از عادت‌ها می‌شود که الزاماً نمی‌توانیم اسمش را روشنفکری بگذاریم. نیاز به زیست در شرایط اجتماعی جدید و خاص، انسان را به سمتی می‌برد که افکارش را آزادتر کرده و به ناچار اعتماد بیشتری به شرایط بکند و این اعتماد کردن به یک عادت تبدیل شود؛ یعنی وقتی اعتماد کسی را جلب کنید، دیگر خودش را به شما می‌سپارد. فکر می‌کنم همه ما این نوع تجربه را به دست آوردیم؛ یعنی اولین بار که به مدرسه می‌رویم و ایسته‌ترین پدر و مادرا هم وقتی رنگ کلاس می‌خور



عجزوه‌ای در «آهوی پیشونی سفید»

یکی از ویژگی‌های کارنامه بازی زندگانی، حضور و تجربه در آثار کودک و نوجوان است. او در فیلم سینمایی «آهوی پیشونی سفید» نقش شخصیتی به نام عجزوه را بازی کرد. داستان فیلم از این قرار بود که آهوی پیشونی سفید که از دست سخنگبری‌های پدرش خسته شده، با فریب عجزوه راهی شهر آرزوها می‌شود و در آنجا با حوادثی روبه‌رو می‌شود که در انتظار او نبسته است. داستان فیلم به‌گونه‌ای نوشته شده که در آن شخصیت‌های فولکلور، قدیمی و معروف ایرانی از جمله خاله سوسکه و اقاموشه، آهوی پیشونی سفید، غفریته، عجزوه، سالار، گرگ، روباه، خرس پلیس و... نیز حضور دارند. یکی از ویژگی‌های نقش او نیز در این فیلم، موزیکال بودن آن و دیالوگ‌های او بود. او این روزها «شهر گریه‌ها» را نیز در اکران دارد که آن هم در حوزه سینمای کودک است و زندگانی نقش یک گریه بدجنس را بازی می‌کند. او به واسطه نقش عجزوه، گریم سنگینی هم داشت که موها و ریش‌های بسیاری برایش طراح‌ی کرده بودند. با این حال او در گفت‌وگو با جام جم هم بیان کرد که به حضور در کارهای کودک علاقه دارد.

گزارش تصویری

چالش‌های بازی در نقش فخرالدین

فخرالدین از آن نقش‌های جذاب و پر از چالشی است که امین زندگانی در «طوبی» بازی کرده و در گفت‌وگویی که با جام جم داشت هم به این موضوع اشاره کرد.

او نقش یک مرد ایرانی- عراقی را بازی می‌کند که ویژگی‌های خاصی دارد و در موقعیت‌های مختلف واکنش‌های متفاوتی به اتفاقات دارد. زندگانی توانسته نقش متفاوتی را در یک مقطع زمانی بازی کند و مورد توجه قرار بگیرد.



تصاویر

کاراکتر

روایایی که با «ملک سلیمان» محقق شد

چهره و فیزیک و صدایی که زندگانی دارد، باعث شد تا او در نقش سلیمان نبی در فیلم «ملک سلیمان» حضور پیدا کند؛ یکی دیگر از نقش‌های ماندگاری که او در دوران بازیگری‌اش تجربه کرد. او در گفت‌وگویی پیرامون بازی در این نقش بیان کرده که «پیش از این‌که من برای بازی در ملک سلیمان انتخاب شوم مانند تمام کارهایی از این دست، گروهی از بازیگران بررسی شده بودند و تنها بازیگری که توافق‌هایی با ایشان صورت گرفته بود دوست خویم آقای حسین یاری بودند که در ادامه بعد از منتفی شدن حضور ایشان، من برای این نقش انتخاب شدم. بعد از خواندن فیلمنامه علاقه زیادی به کار پیدا کردم. فیلمنامه حاصل تحقیقات دو سال و نیمه گروه بود که تمامی ویژگی‌های مورد نیاز را برای درک نقش در اختیار بازیگر قرار می‌داد. علاوه بر فیلمنامه، جلسات گفت‌وگویی با آقای فروزده، آقای بحرانی، آقای قدیریان و آقای خضوعی داشتیم و راهنمایی‌های آنان موجب شد به نقش نزدیک‌تر شوم و آن را درست‌تر درک کنم. نوع بازی هنرورانی که در منطقه تالش در صحنه حمله‌اچنه و شیاطین حاضر شدند هربار که فیلم را دیدم مرا شگفت زده می‌کند و متعقدم اگر نقش من بیشتر دیده شده به دلیل کمیت آن است.

شدند سریال‌هایشان موفق عمل نکرد. من در جایگاهی هستم که می‌توانم راحت حرفم را بزنم؛ چون بیش از ۳۰ سریال بازی کرده‌ام که بیشترشان بالای ۸۰ درصد بیننده داشت و پنج شش مورد بعدی هم بیننده شان بالای ۷۰ درصد بوده است. به عنوان بازیگری که بیش از ۳۰ سال در عرصه تلویزیون، سینما و تئاتر کار کرده‌ام و در هر سه عرصه کارهای بزرگ و ماندگاری داشته‌ام و با کارگردانی خوب هم کار کرده‌ام، می‌توانم ادعا کنم که در فضای تلویزیون، سینما و تئاتر ما ناآگاهی بیشتر از آگاهی حاکم است و بیشتر از آن که مدیران مان در این عرصه بی تجربه باشند، این خود ما هستیم که دچار روشنفکری‌نگی بیمارگونه‌ای شده‌ایم که هیچ ربطی هم به دانش مان از زندگی، اجتماع و کشورمان ندارد. بی‌غیرتی نسبت به کشور و توهین به کشورمان برای عده‌ای وسیله‌ا راز روشنفکری شده است. کدام روشنفکر در جهان کشور را تکذیب می‌کند؟ این از ناآگاهی برمی‌آید. کسی که تاریخ کشورش را نمی‌شناسد، تفاوت بین ملی‌گرایی و تحزب را نمی‌فهمد، آن‌چه را که می‌خواند باور ندارد و به دلیل عدم استاندارد، کیفیت پایین آموزش و گذر از خطوط برای ورود حرفه‌ای به کاری، وارد این حرفه شده، بیشترین لطمه را زده است. از یک بازیگر تحصیل کرده حاشیه‌های بسیار عجیب و غریبی



معمولا کسانی

که از سینما به

تلویزیون می‌آیند

زاویه دیدشان

برخلاف همه جا

بالا به پایین است

و تلویزیون را

رسانه‌ای می‌بینند

که جایگاه اجتماعی

دارد، اما انگار

جایگاه اعتباری

ندارد که این از

ناآگاهی است

می‌بیند.

سینمای کودک و کار کودک هم دچار همین افت روشنفکری‌نگی شده است. کدام بازیگر در کشور مدعی است از جانی دب قوی‌تر است و از اوتاثیر جهانی بیشتری گذاشته است یا از کسانی که هری باتر کار کردند با صدایشه شرک بودند، قوی‌تر است؟ هر وقت کسی از اینها قوی‌تر بود می‌تواند نگاشش را در مورد سینمای کودک به دیگران تنفیذ کند و بگوید نگاه من این است. من کارم را در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شروع کردم و سه سال در گروه تولید تئاتر و تئاتر عروسکی مرکز تولید تئاتر پاکر لاله در خدمت آقایان داوود کیانیان، نصرا... قادری و رضا کیانیان بودم و کار کودک کردم. هرگز به کار کودک به عنوان یک خروجی ضعیف یا این‌که در شان من نیست نگاه نمی‌کنم و به شدت کار کودک را دوست دارم.

۱۴ به سریال «طوبی» برگردیم. سخت‌ترین سکانسی که تا امروز در این سریال بازی کرده‌اید، چه بود؟

در کل کار سختی بود. در سردترین ایام سال شب‌کاری خارجی داشتیم و در گرم‌ترین روزهای تاریخ تهران، خارجی وسط بیابان داشتیم. تقریباً می‌توانم بگویم به لحاظ فیزیکی کار ساده‌ای نبود و روزی بیش از دوتا سه ساعت در ترافیک رفت و برگشت بودم.

نیم‌نگاه

بازار فارسی‌زبانان و امکان استفاده از حسن همجواری را برای صادرات فرهنگ و سریال‌هایمان از دست داده‌ایم

هنرمند هم باید بنا به اقتضای نیازهای اقتصادی‌اش قار قبول کند. قرار نیست همیشه همه هنرمندان فرهیخته باشند، زیند شیر شورانی زندگی کنند و آب روی سرشان بچکد

جوان‌ترین کارگردان جشنواره فجر سال ۷۴ بودم. در بخش مسابقه از هجوم تماشاگر برای کارم در تالار مولوی شکست. امروز موج بازیگری افتادم و این کار را ادامه دادم

بسیاری از سریال‌ها در پلنفرم، کست‌های ثابت و فروش دارند، اما همچنان فعالیت می‌کنند و باعث می‌شوند که یک فرصت مناسب به یک تکرار بی دلیل تبدیل شود

در فضای تلویزیون، سینما و تئاتر بیشتر ناآگاهی حاکم است و بیش از آن‌که مدیران بی تجربه باشند، خود ما دچار روشنفکری‌نگی بیمارگونه شده‌ایم

زمانی که عمو عجزوه را بازی کردم، در جشنواره کودک اصفهان خیلی به من حمله شد که از کسی که حضرت سلیمان بازی کرده، بعید بود عمو عجزوه را بازی کند

